



اقتضانات ساختاری و رفتاری آزادی سیاسی در قرآن*

عبدالله نظری*

چکیده

قرآن کریم انسان را موجودی مختار، آزاد و صاحب‌خرد و اندیشه می‌نماید، موجودی که برای شکوفایی و رشد مادی، روحی و اخلاقی خود نیاز به زیست اجتماعی دارد، استقرار و استمرار زیست اجتماعی نظام‌مند و نظم یافته بدون سامان سیاسی امکان‌پذیر نیست و سامان سیاسی نیز پدیده تلفیقی از حکومت و مردم هست و هر کدام نسبت به دیگری دارای حقوق و تکالیفی هستند و انسان در متن جامعه سیاسی نیز دارای مسئولیت و تکالیف سیاسی است به همین دلیل قرآن کریم وی را نسبت به یکسری الزامات سیاسی مکلف و متعهد می‌داند که قالب آزادی سیاسی میان اندیشه‌وران سیاست مطرح است. از این‌رو، بررسی و استخراج اقتضانات ساختاری و رفتاری آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم ضرورتی فراروی محققان قرآن و علوم سیاسی می‌گذارد که باید نسبت به مسائل و موضوعات نوین پاسخی را ارائه نمایند و پژوهشگران و تشنگان معارف قرآنی را از حیرت و سرگردانی رهایی و روشنایی بخشند. این پژوهش نیز درصدد بررسی اقتضانات ساختاری و رفتاری آزادی سیاسی با روش استخراجی و تحلیلی از منظر قرآن کریم است. بر اساس برآیند و نتیجه این پژوهش، مؤلفه‌های ساختار ساز آزادی سیاسی عبارت از: آزادی دادخواهی، آزادی محل سکونت، آزادی انتخاب شغل و آزادی مالکیت و مؤلفه‌های رفتاری آن آزادی از تفتیش و تجسس عقیده، آزادی بیان، آزادی تحقیق و اندیشه است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آزادی، آزادی سیاسی، ساختار، رفتار.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۹/۵

* دانش‌آموخته دکترای قرآن و علوم سیاسی، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

Abdu.nazari@yahoo.com



مقدمه

اسلام برای سامان بخشیدن به امور اجتماعی، نظام سیاسی پیشرفته و توسعه یافته‌ی را ترسیم می‌نماید که بر شالوده و مؤلفه‌های خاص خودش استوار است. یکی از مؤلفه‌های نظام پیشرفته و تعالی‌بخش سیاسی قرآن، آزادی سیاسی است، خود آزادی سیاسی در واقع به بررسی متقابل روابط و مناسبات حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان می‌پردازد. آزادی سیاسی قرآن کریم نوعاً بر چگونگی ساختار نظام سیاسی و رفتار کنشگران اشاره دارد، برای هر یک ساختار سیاسی و رفتار کنشگران نماگرها و شاخص‌های خرد و ریز را برمی‌شمارد و در این تحقیق تلاش می‌گردد که مؤلفه‌ها و نماگرهای آزادی سیاسی با روش استخراجی از متون و تک‌نگاره‌های تفسیری به بررسی و تحلیل گرفته و پاسخ آن‌ها در یابیم، چون که قرآن کریم منبع وحیانی است و برای هدایت انسان در حوزه‌های فردی و سیاسی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها پاسخی دارد و خلأ و کاستی در تحلیل و تبیین اقتضانات ساختار و رفتار آزادی سیاسی از منظر قرآن و کریم احساس می‌شود که این پژوهش درصدد پردازش به آن است تا بتواند به کاستی‌های موجود، پاسخ مستدل و منطقی ارائه نموده و یک پژوهش اثرگذار برای محققان قرآن و سیاست باشد.

پیشینه پژوهش

با توجه به استقصا و تحقیق پیرامون آثاری مکتوب حول و محور آزادی سیاسی صورت گرفته به‌طور عمده آن‌ها را می‌توان به دو طیف از آثار تقسیم‌بندی نمود. نخست، منابعی که با نگرش و رویکرد لیبرالیستی، با گرایش اومانستی و انسان‌گرایی به سامان رسیده است، این نوع آثار و منابع با مسئله و پرسش این نوشتار هیچ ارتباط و پیوندی ندارد چون که با رهیافت موردنظر این پژوهش قرآنی تمایزات اساسی دارد



طیف دوم از منابع و کتبی که با رویکرد اسلامی نگارش یافته ولی اکثراً با مسئله این پژوهش نیز همخوانی و همسوی ندارد زیرا یا با نگرش فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، فقه سیاسی یا مشرب‌های دیگر علمی سامان یافته است درحالی که تحقیق پیرامون این نگارش با رویکرد قرآنی تفسیری است.

روش‌شناسی پژوهش

ساماندهی یک تحقیق علمی بر اساس روش‌های معتبر علمی و پذیرفته شده، کار بایسته و شایسته به حساب می‌آید. زیرا آگاهی، شناخت و فهم از محتوای یک پژوهش در قالب یک روش منظم آسان‌تر پذیرفته می‌شود. به خود پژوهشگر هم در ارائه مطالب به صورت سیستماتیک و نظام‌مند و دسته‌بندی شده زمینه عرضه مطلوب را مهیا می‌سازد، بلکه به پژوهشگر قدرت می‌بخشد که به یک موضوع را از جهات مختلف بنگرد.

از طرفی استفاده از روش‌های موجود در عرضه تحقیقات، الزامات خاصی خود آن روش‌ها را به همراه دارد. از جمله پذیرش مبانی معرفتی، چون هر روش بر پایه یک معرفت‌شناسی و جهان‌بینی خاص قرار دارد. در این صورت نیازمندی به روش و متدولوژی فراگیرنده مبانی معرفتی از یکسو و از سوی دیگر همسو با موضوع تحقیق باشد کاملاً احساس می‌شود و باید مدنظر پژوهشگر در فرایند به سامان رساندن پژوهش وی باشد. روش نگارش پیش رو، روش توصیفی تحلیلی می‌باشد که نوعی از روش‌های تفسیری است که در جستجوی فهم نظر قرآن نسبت به مشکل یا مسئله‌ای خاص است که جامعه با آن مواجه است، مفسران تفسیر موضوعی قرآن کریم از این منظر به مسائل می‌نگرند و با این فرض به تفسیر آیات قرآن می‌نشینند و این نگارش نیز با روش توصیفی تحلیلی به چستی اقتضانات ساختار و رفتار آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم می‌پردازد.



مفهوم شناسی

۱. اقتضانات: جمع اقتضاء به معنای درخور بودن، خواهش، درخواست، لزوم است (فرهنگ معین، ذیل کلمه اقتضاء)، یا اقتضاء درخواست و خواهش نیز بکار می‌برد موسسه فرهنگی هنری (موسسه فرهنگی هنری، ۱۳۹۰)، ذیل کلمه اقتضاء. منظور از اقتضانات بایدها و نبایدهای است که یک نظام و سیستم توان پذیرش و تحمل آن بایسته‌ها و نبایسته‌ها را دارد.

۲. ساختار: با توجه به نبود واژه ساختار در لغت‌نامه‌های قدیمی به نظر می‌رسد که این واژه در زبان فارسی در سال‌های اخیر ابداع شده و پیشینه ندارد. واژه ساخت نیز مصدر مرخم است و به معنای ساختن، صنع و صنعت؛ طرز و حالت و شکل ساختن، شیوه، نسب و اسلوب آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷)، ذیل کلمه ساخت) یا ساختار به معنای قالب، فرم، شکل، بافتار، ساختمان، بنیاد، بنا است یا به مفهوم سازمان درونی یک جمله یا واحدهای دستوری کوچک‌تر است (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۱۳۷۶)، ذیل واژه ساختار) یا ساختار برابر با چگونگی ساختمان چیزی، ترتیب اجزاء و بخش‌های یک جسم است. (معین، ۱۳۸۶)، ذیل واژه ساختار) ساختار به انگلیسی (Structure): به صورت کلی به الگو، آرایش یا سازمان‌دهی اجزای مرتبط در یک شیء مادی یا یک سیستم گفته می‌شود که بر اثر مشاهده یا بازساخت الگو قابل تشخیص و کشف است (دانشنامه ویکی‌پدیا). واژه «ساختار» معادلی برای کلمه structure در زبان انگلیسی است (آشوری، بی‌تا، ذیل واژه ساختار) در فرهنگ اصطلاحات فلسفه علاوه بر این دو واژه، «واژه نظام نیز آمده و در توضیح واژه، با عبارت رابطه ثابت و قانونمند بین اجزاء و عناصر یک نظام یا یک کل» تعریف شده است (علی بابایی، ۱۳۴۸)، ذیل واژه ساختار)، ساختار در فرهنگ سخن به صورت ترتیب و چگونگی قرار گرفتن اجزاء یا چگونگی ساختمان چیزی و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر تعریف شده است. (انوری،



۱۳۸۱، ص ۲۵۵) پس هدف از اقتضانات ساختاری همان الزام‌های سیاسی یک نظام سیاسی است که توان پذیرش و ظرفیت تولید و شکل‌گیری زمینه بروز و ظهور کنش‌کنشگران شهروندی در مقابل حکومتگران را دارد که مردم بتوانند در برابر عمل و رفتار حکومت به اظهارنظر یا در جهت کسب مناصب و موقعیت‌های سیاسی بدون اجبار و تحمیل به رقابت پردازند.

۳. ساحت: میان سرای، گشادگی میان سرایها، فراخنای سرای فراخانه(دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه ساحت) یا ناحیه، فضای خانه بدون سقف، میدان است(فرهنگ عمید) یا پهنه، پیشگاه، جولانگاه، محوطه، عرصه، قلمرو، گستره و میدان است (خداپرستی ۱۸۰، ۱۳۷۶) و مقصود از ساحت در این نگارش همان عرصه، گستره کردار و عملی است که مردم بتوانند در مناسبات قدرت سیاسی واکنش نشان می‌دهند.

۴. رفتار: سلوک، روش، طرز حرکت، است(معین، همان، ذیل واژه رفتار) یا حرکت، اقدام، عمل، فعل، کنش، کردار است یا رفتار برابر با واکنش‌های انسان یا حیوان به محرک‌های خارجی، است(بهزاد، ۱۳۹۳، ص ۵۵) منظور از رفتار در این پژوهش کنش آگاهانه مردم به فرایندهای سیاسی در قبال حکومت و نظام سیاسی قرآن است که در نمود و تجلی بیرونی داشته و عمل جوارحی را فقط در بر می‌گیرد.

۶. آزادی سیاسی: یعنی انسان بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از طریق انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی، سیاسی و اجتماعی کشور نائل آید یا در مجامع سیاسی، باورها و افکار خود را به نحو مقتضی و بدون هراس و خوف از دیگران ابراز نماید.» (مؤتمنی طباطبایی، ۹۶، ۱۳۷۶)

آزادی سیاسی؛ یعنی رأی دادن و حق نامزدی برای احراز مناصب دولتی و عمومی همراه با آزادی بیان و اجتماعات، آزادی وجدان، آزادی اندیشه است. یا آزادی سیاسی؛ بدین



معناست که افراد در انتخابات شرکت جویند و به هرکس و هر گروه که می‌خواهند رأی دهند. (رالز، ۱۱۱، ۱۳۹۰)

- آزادی سیاسی؛ یعنی آزادی انتخاب شدن، برگزیدن و حق رأی، مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی، حق نظارت بر عملکرد حاکمان، جلوگیری از رفتارهای زشت، تبعیض آمیز و اظهارنظر در تصمیم‌گیری دولتمردان از جمله مصادیق آزادی سیاسی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۷۱)

مراد از آزادی سیاسی در این نوشتار؛ «مجموعه امتیازاتی است که شهروندان یک نظام سیاسی برای مشارکت سیاسی خویش به آن نیاز دارند این امتیاز به صورت و شکل حقوق مدنی (حق رأی داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق اساسی (آزادی رقابت اندیشه‌ها، انتخابات و آزادی تعیین زمامداران) تجلی و تعیین می‌یابد» (هاشمی، ۱۳۹۵، شماره ۱۲). و سیستم سیاسی قرآن نیز این حقوق و امتیازات را برای مردم و شهروندانش به رسمیت شناخته و مانع استیفای چنین حقوق و امتیازات نمی‌شود.

الف) ساحت ساختار (حقوقی سیاسی)

ساختار سیاسی به مجموعه‌ای از قواعد و نهادهای سازگار و به هم مرتبط و تنظیم‌کننده‌ی حکومت و طریقه‌ی مبادرت قدرت سیاسی به اعمال حکومتی تعریف می‌شود. (نهبان، بی‌م، ۲۰). قرآن نگاه خاصی به سیاست و حکومت دارد که از روابط نهادهای قدرت، شرایط و ویژگی‌های حاکمان سیاسی تحلیل خاصی دارد و حقوق متقابل حاکمان و مردم را به صورت شایسته بازگو می‌نماید. از اساسی‌ترین مسائل حکومت و ساختار سیاسی؛ بحث رابطه حکومت با مردم، حقوق و آزادی‌های جامعه در قبال قدرت سیاسی است. (واعظی، ۱۳۸، ۱۴۴). در ساختار نظام سیاسی قرآن کریم مقتضی یکسری



آزادی‌های سیاسی است که برای استحکام و استقرار خودش به آن مؤلفه‌های آزادی ضرورت و نیاز دارد و سیستمی است که بر بنیاد آن استمرار و دوام دارد که خود به‌طور طبیعی همان گزینه‌ها را می‌طلبد که قالب آزادی‌های سیاسی می‌توان آن را تبیین و تحلیل نمود:

ازاین‌رو، یکی از مسائل نظام سیاسی قرآنی را آزادی سیاسی و دخالت مردم در امور حکومتی تشکیل می‌دهد. باوجود آزادی است که زمینه رقابت و حضور فراگیر مردم در موضوعات گوناگون سیاسی فراهم می‌شود مانند حق رأی، انتخابات آزاد، همکاری و دخالت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، مشارکت فراگیر؛ مسئولیت‌پذیری زمامداران که مصادیق آزادی سیاسی شمرده می‌شود. (عالم، ۱۳۷۳، ۱۲۵) زادی سیاسی در حوزه ساختار سیاسی قرآن کریم دارای نماگرها^۱ یا مشخصه‌های ریزی است که به برخی آن‌ها اشاره و مورد تحلیل قرآنی و دینی قرار می‌گیرد:

۱. آزادی نظارت

نظارت سیاسی در آموزه‌های قرآنی و وحیانی در قالب «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح است در رویکرد قرآنی امر به معروف و نهی از منکر مجموعه از بایدها و نبایدهای است که یک فرد مسلمان نسبت به انجام یا ترک آن، باید احساس مسئولیت نماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

^۱ قابل‌ذکر است که رابطه مؤلفه و نماگرها در این نوشتار رابطه مقسم و اقسام، نظیر رابطه کلمه با اسم، فعل و حرف در علم نحو است و مؤلفه برای ارائه شاخص بزرگ و نماگر برای شاخص خرد آزادی سیاسی به کار می‌روند و نماگرها زیرمجموعه مؤلفه‌ها هستند.



يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (آل عمران/۱۰۴) و (آیه ۷۱ سوره توبه) است با توجه به اینکه شیخ طوسی امر به معروف و نهی از منکر برای هر فرد مسلمان واجب عینی شمرده است. (طوسی، ۱۳۸۵، ۵۵۰، ۲). پس هر فرد مسلمان که تکلیف به اتیان امر به معروف و نهی از منکر در عالم سیاست، حکومت و در قبال زمامداران رادارند. از طرف دیگر حق آزادی سیاسی دارند که در نظام سیاسی بتواند حقایق را بازگو و از رفتار و عمل غیر اسلامی حکومت کنندگان اعتراض نمایند. اعتراض نیز به زبان ملایم و نرم باید باشد قرآن کریم بایان فرمان خداوند به موسی و هارون، اهمیت به کارگیری بیان نرم و ملایم اشاره می‌کند: « اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»؛ (طه، ۴۳ و ۴۴).

شهروندان با داشتن آزادی سیاسی می‌توانند در زمینه‌های مختلف سیاسی اهتمام ورزند، به مسائل حکومتی، رفتار و اعمال کارگزاران سیاسی نظارت نمایند، مقامات سیاسی را به نقد و انتقاد بکشند؛ پیامبر اسلام می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَهَمَّتْهُ غَيْرُ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ» (بحرانی، ۱۳۶۳، ق، ۱۴۰۴) کسی از امت صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست. (تحف العقول /ح ۳) در قرآن نظارت آزادانه مردم در امور سیاسی و تکوین یک جامعه سیاسی مشارکت پذیر مورد تأکید قرار گرفته است.

«قرآن به نظارت مردم اعتبار داده است نظارت و رأی مردم در انتخاب حاکم و در کار سیاسی که او انجام می‌دهد مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا امام علی (ع) وقتی که کار به رأی و انتخاب مردم می‌کشد، بر نظر و رأی مردم تکیه می‌کند، یعنی آن را معتبر می‌شمارد. از این رو، علی (ع) با آن که از جانب خداوند به ولایت و رهبری مردم تعیین و منصوب شده بود، اما تا قبل از بیعت مردم با ایشان، عملاً بر انجام این مسئولیت‌های سیاسی اقدامی نکرد؛ زیرا زمینه اجرایی ولایت و رهبری حضرتش فراهم نبود. به همین جهت، وقتی مردم با امام علی (ع)



همراهی نکردند، ایشان خانه‌نشین شدند؛ و در این مدت، امام (ع) هیچ‌گاه مردم را مجبور به تبعیت و پیروی نکردند؛ اما وقتی که زمینه و پی آماده شد آن حضرت از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکردند:

«لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما أخذ الله سبحانه علی العلماء أن لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لألقیت جملها علی غاربها و لسقیت آخرها بکأس أولها، و لألفیتم دنیاکم هذه عندی أزهده من عطفة عنز» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶، ۲۵۶)

آزادی نظارت برای رهنمود حاکمان در جهت سیاست‌گذاری درست که به سوی تکوین و بازآفرینی جامعه سعادت‌بخش سیاسی از قرآن مورد تأیید و تأکید است تا جلوی کج‌روی‌ها و انحطاط اخلاق سیاسی گرفته شود و از استبداد و خودخواهی حاکمان جلوگیری شود.

۲. آزادی دادخواهی

یکی از نماگرهای آزادی حقوقی، آزادی دادخواهی و مرافعه هر انسان در دولت اسلامی است که به دور از هراس و خوف علیه هر مقام مسئول سیاسی بتواند به شکایت بپردازد. آزادی دادخواهی یعنی برابری حقوقی قضایی تمام افراد یک جامعه در برابر قانون است، در دادخواهی، دادرسی و رسیدگی دعاوی، تمایزات و ملاک‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دخالت ندارد. معیارهای ملی، حزبی، گروهی، طبقاتی، مادی، پارتی، و رانت‌های دیگر اجتماعی منجر به ترجیح و تبعیض برخی بر برخی دیگر در امور قضایی قرآنی نمی‌گردد بلکه بر مبنای عدالت توزیعی حقوقی داوری و رفتار می‌شود. «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»؛ (نساء/ ۱۰۵) ما این



کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخت، در میان مردم به قضاوت پردازید.

در حکومت قرآنی قاضیان و دادگران بر مبنای گزاره‌های وحیانی به قضاوت می‌پردازند و امتیازات مصنوعی و ترجیحات اجتماعی سیاسی در صدور حکم قضایی اعتبار و ارزشی ندارد. در قرآن مجید، چندین آیه به‌طور مستقیم به بایستگی‌های دادرسی عادلانه و به دور از تعصب، تبعیض و تحقیر اختصاص یافته است. همچنین در قرآن آمده است: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»؛ (ص/۲۶) ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم، پس میان مردم به حق داوری کن.

اجرای عدالت قرآنی که نخستین و مهم‌ترین سرچشمه احکام قرآنی است و بر اجرای عدالت که اساس دادرسی است، تأکید ویژه‌ای دارد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ (مائده/ ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به عدالت برخیزید و به عدالت شهادت دهید. البته دشمنی گروهی نباید شمارا بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید؛ که آن به تقوا نزدیک‌تر است». در آیه دیگر می‌فرماید که به عدالت پایبند باشید، هرچند به زیان خود یا نزدیکانتان باشد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...»؛ (نساء/ ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هرچند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد».



همچنین فلسفه و آرمان بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی، اجرای عدالت معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) به‌راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرو فرستادیم تا مردم به انصاف برخیزند.

در نظام قرآنی، دادخواهی و ارزیابی شکایات از مقامات سیاسی با سایر شهروندان عادی جامعه متفاوت نیست، با شاکي و متشاکي برخورد تساوی گرایانه صورت می‌گیرد، قانون اسلامی حقوق همه مردم را حفاظت و تضمین می‌نماید تا هر کس به سهولت بتواند متخلفین و قانون‌شکنان را به پای میز محاکمه بکشاند ولو اینکه از مقامات قدرتمند سیاسی باشد، در صورت تخلف و ارتکاب جرم اعلام محکومیت آن می‌نماید، چنانچه امام علی(ع) به مالک اشتر خطاب می‌کند. «فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْفِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْعَهُ وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ۱۷۱): ای مالک از مقدم داشتن خود در اموری که مردم با تو مساوی‌اند بپرهیز. امام، مقام استناداری مالک اشتر را موجب برتری آن نمی‌انگارد. «فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً» (شهیدی، نهج البلاغه، ۱۳۷۴، نامه ۵۹، ۳۴۴): پس باید کار مردم در آنچه حق است نزد تو (در حقوق و مزایا) یکسان باشد.

بنابراین در نظام حقوقی اسلامی هر انسان دارای آزادی دادخواهی و شکایت از هر مقام سیاسی در همه مراجع قضایی است و می‌تواند علیه هر شخص حقیقی و حقوقی



قانون‌گریز به دادخواهی و شکایت بپردازد، محاکم و دادگاه‌های نیز تکلیف رسیدگی به همان مراجعات به‌دوراز تفاوت‌های ملی، زبانی، جغرافیایی و... را دارند.

۳. آزادی انتخاب محل سکونت

یکی از نماگرهای آزادی در حوزه ساختار حقوقی، آزادی مسکن و محل زندگی اشخاص است افراد در نظام سیاسی اسلامی آزادند که مطابق خواست و اراده خویش بدون ممانعت و تهدیدات دیگران سکونتگاهی را برگزینند. «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْ لِي مَبْرَأًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ»؛ (مؤمنون / ۲۹) و بگو پروردگارا مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک‌ترین مهمان‌نوازی. «منظور از آزادی مسکن در دنیای امروز این است که هر فردی حق دارد در هر شهر، محلی و در هر جایی کشور که مایل باشد، سکونت نماید، هیچ‌کسی بدون اجازه او یا اجازه قانون، حق ندارد، مانع انتخاب مسکن دیگران شود. هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محلی دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهر یا روستا انتخاب نماید.» (جعفری، ۱۳۷۰، ۴۶۲).

احترام و حرمت گذاشتن به منازل و خانه‌های یکدیگر نشانگر آزادی فرد در انتخاب سکونتگاه خودش در نظام قرآنی است که دیگران حق ورود و دخالت در آن را ندارد: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَيَّ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ»؛ (نور / ۲۷ - ۲۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید، تا زمانی که اجازه گرفته باشید و به افراد منزل سلام کرده



باشید، و اگر کسی در منزل نباشد، وارد نشوید تا زمانی که اجازه یابید. اگر از شما خواستند که بازگردید پس داخل نشوید، که این کار باعث اخلاص بیش تر می شود. از نظر قرآن هر شهروند قرآنی به لحاظ حقوق مدنی حق دارد در هر جایی که رفاه و خیر، صلاح و سعادت دنیوی و اخروی او در آنجا تأمین می گردد برای سکونت خود برگزیند «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى التَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»؛ (نحل، ۶۸) پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داربست می کنند خانه‌هایی برای خود درست کن.

پیغمبر اسلام فرمود: «البلاد بلاد الله، والعباد عباد الله فحيثما اصبت خيراً فاقم»: همه‌ی سرزمین‌ها و شهرها متعلق به خدا و بندگان اویند، پس هر کجا موجب خیر و سعادت شما است سکونت و اقامت گزید. (شوشتری، همان، ج ۸، ۲۲۳) آزادی انتخاب مسکن مورد حمایت و تأیید و تأکید قرآن است، چون قرآن، تمام سرزمین و بلاد اسلامی را متعلق به همه مسلمانان می داند.

در تفکر و اندیشه قرآنی انسان آزاد مطلق نیست که به هر جا بخواهد سفر کند و در هر سرزمینی را برگزیده و رحل اقامت نماید. گرچه قرآن کریم زمین را گسترده و وسیع معرفی می کند اما تعالیم دینی به وی هشدار می دهد درجایی اقامت نمایند که توان پاسداری و حفاظت از باورها و ارزش‌های دینی خویش را داشته باشید ای علی! سه چیز نجات‌بخش است: نگهداری از زبانت، گریه و زاری بر لغزش‌هایت و خانه‌ات. نیز این امر نشانگر همان سخن پرگهر امام علی (ع) است: «لَيْسَ بَلَدٌ أَحَقُّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرُ الْإِلَادِ مَا حَمَلَكَ»، «بهترین سرزمین آن است که توان تحمل تو را داشته باشد». (تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۳۳۵) به همین دلیل اصولاً سفر به دیار و سرزمینی که ارزش‌های دینی در آن به مخاطره بیفتد روا و جایز



نیست و آزادی انتخاب محل سکونت را در چارچوب حفظ ارزش‌های دینی مجاز می‌شمارد.
جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۱۹۳)

۴. آزادی انتخاب شغل

یکی دیگر از نماگرهای آزادی در ساختار حقوقی، انتخاب شغل، کسب و کار مناسب است. قرآن به انتخاب شغل اشخاص در چارچوب و ضوابط خاص خود توجه نموده و اجبار و اکراه حکومت را در پذیرش شغل و کاری را نمی‌پذیرد؛ قرآن، نه تنها مردم را در انتخاب شغل و کارهای مشروع آزاد گذاشته بلکه به هر فردی اجازه انتخاب کار و شغل بر اساس سلیق و علایق خودشان در چارچوب آموزه‌های وحیانی آزاد می‌گذارد: قرآن کریم برای بهره‌برداری از زمین و نقش‌های الهی توصیه به تلاش و فعالیت برای زندگی و حیات مادی و معنوی می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف / ۱۰) و به تحقیق شمارا در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم. یا می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ» (حجر / ۱۹-۲۰) و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویاندیم و برای شما و هر کس که شما روزی دهنده او نیستند، در آن وسایل زندگی قراردادیم. و در در جایی دیگر آمده که حضرت صالح پیامبر (ع) خطاب به قوم ثمود نقل می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ...» (هود / ۶۱) اوست (خدا) که شمارا در زمین پدید آورد و از شما خواست که زمین را آباد کنید...»

البته باید توجه داشت که خداوند کریم، تمام مقدمات آباد کردن زمین و ایجاد اشتغال را که از حیطة اختیارات انسان‌ها خارج بوده فراهم آورده است و این نشان می‌دهد که



همان طوری که تکویناً چنین مقدمات و وسایل را برای فعالیت و کوشش انسان جهت معاش و حیات مادی و معنوی و تأمین زندگی انسان‌ها فراهم آورده و در اختیار بشر قرار داده است تا انسان‌ها بتوانند در سایه بهره بردن این اسباب و علل به تکامل برسند و به اهداف خود نزدیک شوند، وظیفه انسان‌ها هم است که با تلاش و کوشش فکری و جسمی مقدمات و اسباب تشریحی این عمل را در حیطه و اختیار آن‌ها گذاشته و برای خود و دیگران جهت بهره‌دهی و بهره‌برداری آماده سازند.

در خصوص آماده‌سازی بستر برای معاش و زندگی انسان‌ها می‌فرماید: «وَأَرْسَلْنَا الرِّیَاحَ لَوَافِحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ»؛ (حجر / ۲۲) و با‌ها باردار کننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شمارا بدان سیراب نمودیم و شما خزانه‌دار آن نیستید» و در جای دیگر قرآن می‌فرماید: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهَا؛ (ملک/ ۱۵) او خدایی است که زمین را برای شما قرارداد پس در راه‌های آن حرکت کنید و از روزی آن بخورید، همه این آیات الهی انسان‌ها را تشویق به فعالیت، کار، تلاش و ایجاد اشتغال و از بین بردن معضل بیکاری می‌کند، این آیات الهی حرکت بخش، نیرودهنده هستند و جامعه دینی با داشتن چنین دستورات و توصیه‌های والا، باید خود را از معضل بیکاری برهاند و تمام نیرو و امکانات خود را برای ایجاد اشتغال و زمینه‌های زندگی سالم را برای افراد خود فراهم کند. که بر مبنای میل و انتخاب خویش شغل و حرفه را برگزیند. حضرت امیر (ع) در ذیل آیه ۶۱ سوره هود می‌فرماید: خدا ایشان (قوم ثمود) را به آباد کردن زمین فرمان داد تا حبوبات، میوه‌ها و نظایر آن را که برای زندگی آفریدگان قرار داده وسیله معیشت آنان باشد این نکته قابل دقت است که در همین سوره (هود / ۶۱) قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض کرد و



در اختیار شما قرارداد و وسایل از هر نظر برای شما آماده شده است. شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید.

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ»؛ (اعراف/۱۰) مکن هم برای انسان است و هم برای جان انسان. در تمکین، آفرینش مکان لازم است اولاً خلقت متمکن لازم است ثانیاً استقرار متمکن در مکان لازم است ثالثاً تأمین نیازهای متمکن لازم است رابعاً این امور چهارگانه مربوط به تن آدمی است.

خداوند در قرآن فرمود: ما زمین را خلق کردیم، شمارا آفریدیم، یعنی بدنتان را از خاک و امثال خاک آفریدیم، شمارا در زمین مستقر کردیم، معایش بدنی شمارا هم دادیم. یعنی این امور چهارگانه: مکان، متمکن، معیشت و استقرار متمکن در مکان است و معیشت چنین متمکنی مربوط به تن شماست. در قبال مکان، مکان است، منزلت است، خدا روحی که دارای مکان است آفرید، این روح را به آن مکان‌های رفیع رساند، معایش روحانی را که باعث ثبات و بقاء و دوام چنین متمکنی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۴، ۲۵)

امام علی (ع) در این زمینه چنین می‌فرماید: «...ثُمَّ اسْتَوْصِ بِاللِّجَارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ بِنَدِيهِ وَ الْمُضْطَرِّ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقِ بِنَدِيهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جَلَابُهَا عَنِ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرَكَ وَ بَحْرِكَ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَنِمُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرُّونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سَلْمٌ لَا تُخَافُ بِإِقْبَتِهِ وَ صُلْحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَقَفُّدُ أُمُورِهِمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ..»: ای مالک! سپس درباره بازرگانان و صنعتگران، سفارش‌ها من را بپذیر و عمال خود را درباره ایشان سفارش کن، چه آن‌هایی که درجایی اقامت دارند، چه آن‌هایی که با سرمایه و دارایی خود دررفت و آمدند، چه کسانی که به صنایع دستی، روزگاری را می‌گذرانند زیرا اینان،



سرچشمه‌های کشورند، همین‌ها هستند که سودها را از نقاط دوردست، از خشکی، دریا، جلگه، کوه و جاهایی که مردم، نمی‌توانند در آن، گرد آیند و جرئت رفتن به آنجا را ندارند، به‌سوی تو جلب می‌کنند، دیگر آنکه این گروه، مردم آرام و صلح طلبند، بیم عصیان و خوف طغیان از جانب ایشان متصور نیست.... به‌دقت مورد رسیدگی قرار بده و به آن توجه داشته باش. (بحرانی، ۱۳۶۶، ۵۴۷).

امام هفتم (ع) فرمودند: «من طلب هذا الرزق من حله ليعود به علی نفسه و عیاله کان کالمجاهد فی سبیل الله»: کسی که برای اداره خود و خانواده‌اش از راه حلال جوایز روزی باشد همچون مجاهد در راه خداست. (حر عاملی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۲۵)

پس افراد در انتخاب شغل آزاد است؛ تا مادامی پا را فراتر از قوانین و خطوط قرمزهای دینی نگذاشته اگر پا را فراتر از محدوده‌های اسلامی و قانونی بگذارند مثلاً اگر کسی بخواهد مشروب فروشی یا قمارخانه راه بیندازد آنگاه دولت اسلامی باید مداخله کرده و ممانعت ورزد. زیرا که آزادی شغل محدود و مقید به رعایت باورها و ارزش‌های دینی است و نباید خطوط قرمزها را بشکنند. (مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ۳۷۳).

۵. آزادی مالکیت

مالکیت در اصطلاح فلسفی بر مقوله «جده» منطبق می‌دانند به این معنا که انسان نسبت به مال و حالت خود واجدیت و دارایی دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۳، ق، ج ۴، ص ۱۸۰). آزادی مالکیت به معنای به‌کارگیری توانایی و امکانات مادی و مالی؛ یکی دیگر از نماگرهای آزادی حقوقی و مدنی است که انسان بتواند مطابق خواست و انتخاب خودش به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. چون که مالکیت در ذات و نهاد بشریت نهفته است، و عامل مؤثر برای دلگرمی و رونق زندگی اقتصادی بشر است. قرآن می‌گوید هرگاه کسی مالی را از مجاری صحیح، به



دست آورد آن مال متعلق به همان شخص است «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ (نساء/ ۳۲). مردان از آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی دیگر و کسی حق ندارد در دستاوردها و نتایج زحمات اقتصادی دیگری تصرف عدوانی و دست‌درازی نماید.

قرآن، نظریه «خدا مالکی» را مطرح می‌کند و التزام به این اصل، به معنای تعهد در برابر احکام و ارزش‌های الهی خواهد بود. از سوی دیگر، مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی قرآنی، اصل «جانیشینی خداوند» برای انسان است، از دیدگاه قرآن، انسان، تنها جانشین و نماینده خدا در زمین است، (بقره/ ۳۰، انعام/ ۱۶۵، یونس/ ۱۴، نمل/ ۶۲، فاطر/ ۳۹، حدید/ ۷). خداوند آدمی را از بین موجودات دیگر برگزید (اسراء/ ۷۰) و وی را امانتدار خویش قرارداد (احزاب/ ۷۲) و با آموزه‌های وحیانی، راه و رسم جانیشینی و حمل امانت الهی را برای وی روشن ساخت. بر این اساس، طبیعت با همه ثروت از نعمت‌های الهی می‌باشد. از این‌رو، هرگونه آزادی بی‌قید و شرط در مسائل اقتصادی منتفی می‌باشد. از دیدگاه قرآن، انسان، موجودی دارای اراده و اختیار (رعد/ ۱۱، طه/ ۶۰-۶۷، کهف/ ۹-۲۶) بوده و هرگز تحت تأثیر «جبر تاریخ» و «جبر محیط» مسیر زندگی‌اش تغییر نمی‌کند. بدین‌سان هم آزادی مطلق و نفی مسئولیت آن‌گونه که نظام سرمایه‌داری جز در موارد اندک مدافع آن است و هم نفی اراده و اختیار که مدعای سوسیالیست‌ها است نفی می‌گردد و به آزادی انسان در قبال کار و فعالیت خویش مالکیت اعتباری در اموال، دارایی و دسترنج خود می‌باشد.

یا در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ»؛ (نساء/ ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به‌ناحق نخورید، مگر آنکه تجارتي باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید. اسلام، نه تنها اموالی را که از



مجارى صحيح، تحصيل مى شود متعلق به شخص زحمتکش و عامل توليد مى داند، بلکه چنانچه فرد تجاوز کار اگر بخواهد آن را از زیر نفوذ صاحبش در آورد، و مالک در مقام دفاع، بر آيد و کشته شود در زمره شهيد بشمار مى آيد و پاداش خون شهيدى را دارد و حضرت پيامبر فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ» (کلینی، بی تا، جلد ۵، ۵۲).

حمایت قرآن از آزادی مالکیت، تصرف در مال، ثروت و اقتصاد، به این معنا نیست که هر کس از هر راهی ولو اینکه از راه غیر مشروع بتواند تحصيل مال و تکثیر ثروت کند، به مال و دارایی خودش بيفزايد آزاد باشد. تحصيل مال و افزايش ثروت نیز از منظر قرآن راه های مشروع دارد، چنانچه از آن راهها به دست آيد اموال قانونی اش به شمار مى آيد و گرنه حق تسلط و مالکیت نسبت به آن مال را ندارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»؛ (نساء/۲۹). ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده، و یکدیگر را نکشید».

«قرآن کریم در نظام اقتصادی خود، جلوی سوء استفاده ها و رانت بازی های اقتصادی را می گیرد و راه بهره برداری های غلط اقتصادی را می بندد تا ریشه گرایش های انحرافی اقتصادی و تجارت نامشروع در جامعه بخشکد.» (خامنه ای، شماره دوم، ۳۷). (کهف/ ۸۲) قرآن کریم در پاس داشتن از اموال و املاک جامعه تأکیدات دارد که نباید مورد دستبرد مافیایی ثروت و قدرت و زور گویان شود. «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۗ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۗ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا»؛ (کهف/ ۸۲) کار من (تخریب خانه) بدین جهت بود که در زیر آن گنجی از آن دو طفل یتیمی که پدری صالح داشتند نهفته



بود خدا خواست تا آن اطفال به حد رشد رسند تا به لطف خدا خودشان گنج را استخراج کنند. و من این کارها را کردم نه از پیش خود (بلکه به امر خدا) کردم.

پروردگارت می‌خواست آن‌ها به سر حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند «این رحمتی بود از ناحیه پروردگار تو» من مأمور بودم به خاطر نیکوکاری پدر و مادر این دو یتیم آن دیوار را بسازم مبادا سقوط کند و گنج ظاهر شود و به خطر افتد مهم‌ترین مسئله‌ای که دانشمندان بزرگ را در این داستان به خود مشغول ساخته ماجراهای سه‌گانه‌ای است که این مرد عالم در برابر موسی انجام داد. موسی چون از باطن امر آگاه نبود زبان به اعتراض گشود ولی بعداً که توضیحات را شنید قانع شد. (قرائتی، ۱۳۸۳، چاپ ۱۱)

بنابراین، از منظر قرآن کریم آزادی مالکیت به رسمیت شناخته شده که هر انسان مطابق با موازین اسلامی و شرعی حق فعالیت‌های اقتصادی و تجارت را داشته و مالک دستاوردها و دسترنج‌های خودش در عرصه اقتصادی است، البته به شرطی که از مرز و خطوط قرمز قرآنی تعدی ننماید و پا را فراتر از آن نگذارد و در فرایند فعالیت‌های اقتصادی خودش ملاک‌های شرعی و قرآنی رعایت نماید.

ب) ساحت رفتار

تلاش انسان در جهت‌گزینش اندیشه‌های بلند در پرتو آزادی و اختیار امکان‌پذیر است، همین مشخصه آزادی باعث ارزش و امتیاز او از سایر موجودات دیگر می‌گردد. این حق در تمام فرآیندهای زیست سیاسی وجود دارد، با این حق است که او در سر دوراهی قرار می‌گیرد، از این‌رو پردازش به آزادی انسان در حوزه رفتار و کنش از منظر قرآنی امری ضروری و مهمی است که در قالب نماگرهای آزادی تفتیش عقیده، آزادی بیان و آزادی



اندیشه عینیت می‌یابد. آزادی در ساحت رفتار به دلیل اهمیت کاربردی و انضمامی‌اش ضرورت دارد که از منظر قرآن کریم، روایات و سیره سیاسی معصومین (ع) مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد:

۱. آزادی از تفتیش عقیده

یکی دیگر از نماگرهای آزادی در ساحت رفتار از منظر قرآن کریم آزادی از تفتیش عقاید است که هیچ انسانی حق تحمیل عقاید بر همنوعان خودش را ندارد، در قرآن کریم تفتیش از عقاید دیگران مورد نهی قرار گرفته است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»؛ (حجرات / ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان بپرهیزید. زیرا پاره‌ای از گمان‌ها (گمان بد) در حد گناه است. و در کارهای پنهانی یکدیگر تفحص و تجسس نکنید.

یکی از حقوق انسانی هر کس، برخورداری از "امنیت" و "آسایش" است. وقتی دیگران از امور شخصی افراد، تفتیش و تجسس می‌کنند امنیت آن‌ها را به مخاطره و آسایش آن‌ها را سلب می‌کنند. هر کس در زندگی خصوصی خود مسائل و اسراری دارد که نمی‌خواهد دیگران بدانند یا عیوب و ضعف‌هایی دارد که از مردم پنهان است، تجسس در امور دیگران، نوعی افشای راز و ورود به حریم زندگی خصوصی دیگران و کاری زشت و ناپسند است با هر انگیزه‌ای که باشد. قرآن کریم با عبارت "ولا تجسسوا" با نهی از تجسس می‌خواهد مسلمانان را از این خصلت ناپسند بازدارد.

در احادیث معصومین (ع) نیز از تفتیش عقاید نهی شده و آن را مورد مذمت قرار داده‌اند، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ایاکم والظن فان الظن اکذب الحدیث ولا تحسسوا ولا تجسسوا» (قشیری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ۲۵۶۳): از گمان بد دوری کنید زیرا گمان بد دروغ‌ترین سخن و حدیثی است



به سخنان مردم استراق سمع و عیب جوی نکنید. در جای دیگر رسول اکرم (ص) می فرماید: «أنتی لم اوامر انقلب عن قلوب الناس و لا اشقّ بطونهم» (متقی، بی تا، ج ۱۱، چاپ پنجم، ص ۲۱۱): من مأمور نیستم که دل های مردم را بکاوم و درویشان را بشکافم.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: دنبال کشف و یافتن لغزش های مؤمنان نباشید؛ هر کسی دنبال خطاهای برادرش باشد خدا هم در پی خطاها و عیوب او خواهد بود و هر کس را خدا در پی لغزش هایش بیافتد او را رسوا می سازد، هر چند در درون خانه اش باشد. (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۵). یا امام صادق (ع) می فرماید: «لا تفتش الناس عن اديانهم فتبقي بلا صدیق» (ری شهری، ۱۳۶۳-۱۳۷۱، ۲۰۸): از دین و آیین مردم پرس و جو نکن که بدون دوست می مانی. در فرهنگ سیاسی قرآن آزادی عقیده مشروعیت دارد و هیچ کسی را بصرف داشتن عقیده نمی توان مورد تعقیب و مواخذه قرارداد. آزادی عقیده غیر از آزادی تبلیغ عقیده است. قرآن در محیط عمومی مسلمانان محدودیت هایی برای بیان و تبلیغ عقاید قائل شده است که بستگی به شرایط اجتماعی سیاسی دارد؛ مثلاً فرقه ها و ادیان منکر خدا حق ندارند آشکارا به تبلیغ عقاید خویش پردازند، اما بحث آنان با اهل علم مانعی ندارد. اما اهل ادیان الهی مجازند در حیطة اماکن مقدس خود، مراسم و تعلّم داشته باشند، ولی حق تبلیغ علنی در میان مردم عادی مسلمان را ندارند، مگر اینکه ناقدی عالم و مسلمان نیز در کنارش باشد و مورد نقدش قرار دهد. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۵۴) در عقاید سیاسی نیز شهروندان حق داشتن هرگونه عقاید و گرایش های سیاسی برای افراد محفوظ است ولی تبلیغ و تخریب علیه نظام سیاسی قرآنی را ندارند.

۲. آزادی بیان



آزادی بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق و ارزش‌های قرآنی است که تأثیر بسیار شگرفی در رشد و شکوفایی استعدادهای فرد و جامعه دارد. آزادی بیان یکی از اقسام آزادی‌های حقوقی است و در زیرمجموعه حقوق بشر قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که افراد علاوه بر اینکه به خاطر داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، نباید مورد تعقیب قرار گیرند، باید بتوانند عملاً عقیده خود را ابراز و برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر درباره آن تبلیغ کنند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴، ۲۶۹-۲۷۰).

در قرآن کریم آزادی بیان از حرمت ویژه‌ای برخوردار است آیات و روایات زیادی درباره‌ی آن بیان شده است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ (زمر/۱۸) بشارت ده به آنان که سخن را می‌شنوند، از بهترین آن پیروی می‌نمایند. اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و اینان همان خردمندانند.

گزینش و پذیرش از میان بهترین گفتارها؛ زمانی امکان‌پذیر است که آزادی در گفتار، بیان و تبادل افکار در جامعه وجود داشته باشد تا از میان برگزیده‌ترین آن‌ها یکی را برگزیند، بدون آزادی بیان گزینه‌های متعددی وجود ندارد و از جمله گزینه‌های سیاسی است که هر شهروند در گزینش خود آزاد است، در انتخاب گزینه بهتر به جنبه‌ی منطقی بودن سخن توجه شود، نه به گوینده آن. به فرمایش امام علی (ع): «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»: (شوشتری، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۸) همواره در برخورد با سخنان افراد به خود سخن بنگرید و هیچ‌گاه به گوینده توجه ننمایید.

امام علی (ع) انسان‌ها را به تبادل نظر، اندیشه و آزادی بیان اعم از سیاسی و غیره سفارش می‌نماید «اضربوا بعض الراى ببعض يتولد منه الصواب امخضوا الراى مخض



السقا» (حکیمی، ۱۳۵۳، ج ۱: ۲۰) آراء و اندیشه‌های خود را بر یکدیگر عرضه بدارید که در این فرآیند تبادل آراء و گفتگو، اندیشه درست و سالم آشکار و نمایان می‌گردد، مانند شیری که برای بیرون آوردن کره‌ی آن در میان مشک می‌ریزند و بهم می‌زنند.

قرآن به آزادی بیان و مناظرات علمی سیاسی برای تشخیص اندیشه درست از نادرست و اثبات حقایق سیاسی از ادعاهای دروغین سیاسی سفارش‌هایی فراوان نموده است. همگان را به استدلال، گفتگوی منطقی و جدال احسن فرامی‌خواند «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵) این آیه مبارکه انسان‌ها را به جدال احسن، آزادی بیان اندیشه‌های معقول و منطقی سیاسی نیز فرامی‌خواند تا در پرتو مناظرات علمی و ارائه دیدگاه‌های صاحب‌نظران حکومت بتوان حقایق سیاسی را بازیافت.

از نظر قرآن کریم آزادی بیان سیاسی نمی‌تواند به‌طور مطلق مشروعیت داشته باشد بلکه آزادی بیان منوط به رعایت حدود و قیودی قرآنی نظیر اجتناب از دروغ (حج/۲۲-۳۰)، اجتناب از نشر سخنان لغو و لهب (مؤمنون/۳)، عدم پخش مسائل امنیتی (نساء/۸۳)، ممنوع بودن اخبار غیرعلمی (نحل/۱۱۶)، اجتناب از تهمت و افترا (نساء/۹۴)، حفظ آبرو و حیثیت دیگران (نور/۱۳)، اجتناب از فحش و بدزبانی (نساء/۱۴۸)، اجتناب از اهانت به مقدسات (انعام/۱۹۸) و عیب‌جویی (حجرات/۱۱) و... است، لذا در قرآن کریم اگر آزادی بیان برخلاف مصالح مادی و معنوی جامعه باشد ممنوعیت دارد، دولت قرآنی نیز وظیفه دارد جلوی ویروس عقاید فاسد را در جامعه بگیرد، مانع انتشار و شیوع آن در تمام لایه‌های اجتماعی شود همان‌گونه که از ورود مواد غذایی یا داروی مسموم‌کننده و فاسد در جامعه ممانعت به عمل می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ۳۸۴-۳۸۶)



نمود عینی آزادی بیان در جامعه در اشکال آزادی در گفتار، قلم، کتاب، مطبوعات، رسانه‌های صوتی و تصویری می‌توان نام برد. آزادی بیان پیوند دیرینه و گسترده با آزادی اندیشه و عقیده دارد، عقیده مخالف داشتن بدون اظهار آن در قرآن اشکالی ندارد، اما زمانی که در جامعه ابراز شود با باورها و ارزش‌های خرد و کلان اجتماعی و سیاسی تعارض بنیادی داشته باشد به صورت تدریجی در فرایند زمان به یک رفتار اجتماعی تبدیل می‌گردد و نباید از چارچوب و آموزه‌های قرآن کریم خارج باشد. (مصباح یزدی، همان، ۳۸۲)

۳. آزادی تحقیق و اندیشه

آزادی تحقیق و اندیشه یکی از حقوق اجتماعی افراد در برابر حکومت است. در قرآن هیچ اکراه و اجبار و اصرار بر این که افراد قرآن را قبول کنند وجود ندارد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶) یا در آیه دیگر آمده است که «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» بشارت بده بر بندگانی که به گفته گوش فراداده و بهترین آن را برمی‌گزینند. (زمر/۱۷).

انسان چون موجود عاقل و متفکری است، قدرت دارد در مسائل سیاسی تفکر کند و به واسطه تفکری که در مسائل می‌کند، حقایق را تا حدودی که برایش مقدور است کشف می‌کند. خداوند در آیه (۴۲) سوره انفال) می‌فرماید: «تا آن‌ها که گمراه می‌شوند، از روی دلیل روشن باشد و آن‌ها هم که هدایت می‌شوند و از روی دلیل باشد.

همچنین در آموزه‌های قرآنی بر اندیشیدن و تعقل و تفکر سفارش‌های اکیدی شده است، حتی باور به اصول دین که مبنای تفکر، اندیشه و فلسفه اسلامی است تنها با تحقق پژوهش مستدل و منطقی دانسته شده است.



بر اساس این آیه ، انسان باید حیات خود خصوصاً زندگی سیاسی خویش را بر اساس اندیشه و تفکر بنا نهد و برای عقاید و اعمالش ، دلیل و حجت به دست بیاورد و برای سلوک عقیدتی و عمل سیاسی خود برهان داشته باشد. همچنین خداوند می‌فرماید: جز مردان ، زنان و کودکان ناتوان که نمی‌توانند چاره‌جویی کنند و راهی را بیابند ، امید است که خداوند ایشان را عفو کند. (۹۸ و ۹۹ سوره نساء)

بر اساس مفهوم آیات فوق کسانی که به هر طریقی می‌توانند خود را از شک و سرگردانی نجات بدهند یا از دست کسانی که آنان را از لحاظ فکری یا جسمی اسیر کرده‌اند خود را آزاد و برهاند و راه چاره‌ای بیابند ، چنین افرادی هرگز در پیشگاه الهی عذری نخواهند داشت

همچنین بر اساس آیات (بقره، ۱۱ ، انبیاء، ۲۴، قصص، ۵۷) درخواست دلیل و توضیح خواستن، نشانگر اهمیت دادن به تفکر و دعوت به اندیشیدن است این به دلیل آن است که قرآن مبتنی بر منطق و اندیشه می‌باشد و انسان‌هایی که آزادفکر در حوزه سیاست باشند ، با تفکر و اندیشیدن به حقانیت اسلام نائل می‌شوند و به آن معتقد می‌گردند. پس هر انسان سیاسی به تحقیق و تفکر سیاسی خویش آزاد است و مانعی از منظر قرآن برای آن وجود ندارد بلکه به اندیشیدن سیاسی و حقانیت آن نیز تأکید نموده است.

نتیجه

بنابراین، بدون تردید یکی از مؤلفه‌های رشد و تعالی بخش نظام سیاسی قرآن کریم آزادی سیاسی است. اگر مفاهیم و آموزه‌های سیاسی قرآن کریم، تاریخ و سیره سیاسی معصومین (ع) به دقت شکافته شود به دست می‌آید که آزادی‌های سیاسی مردم در برابر



حاکمان و حکومت بسیار پررنگ و چشمگیری بوده است و مردم از حقوق گسترده سیاسی و اجتماعی برخوردار و می‌توانستند به سهولت و سادگی زمامداران خویش را به نقد و انتقاد و بدون ترس و هراس ابراز نظر می‌نمودند و در روند تحولات سیاسی اجتماعی نقش بیافرینند و در تصمیم‌سازی‌ها راهکارهای سیاسی ارائه و فعالانه مشارکت نمایند.

قرآن کریم به آزادی و انتخاب مردم در عرصه سیاسی اهمیت فراوانی قائل است که مردم و جامعه بتوانند در فرآیندهای سیاسی نقش بارز و برجسته ایفاء نمایند، خداوند آزادی را در نهاد بشریت به ودیعت گذاشته تا حقایق سیاسی از غیر سرابی تشخیص دهند. آزادی سیاسی در چارچوب نظام سیاسی قرآن مشروعیت دارد که آموزه‌های وحیانی به آن جهت و حقانیت می‌بخشد و مردم نیز بر محوریت تعالیم روح‌بخش قرآن کریم در حوزه و ساحت ساختار نظام سیاسی (آزادی دادخواهی، آزادی سکونتگاه، آزادی حرفه و شغل، آزادی مالکیت) و رفتار سیاسی (آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی اندیشه) واجد آزادی و انتخاب‌اند و فراتر از محدوده‌های قرآنی حق آزادی ندارند. تشریح آزادی سیاسی در قرآن کریم برای مردم حق و تکلیفی در بردارد، هر شهروند حکومت قرآنی دارای حقوق و تکالیف و تعهدات سیاسی هستند و بر اساس برخورداری از اختیار و اراده فطری از حقوق و آزادی در جامعه سیاسی برخوردار است، چون که هر حقی در قرآن تکالیفی را به دنبال دارد و پس دارای الزامات شرعی سیاسی است، قرآن کریم تا حدودی نظام سیاسی انعطاف‌پذیر را پسندیده و به نظرات مردم در مسائل سیاسی احترام ویژه دارد و از نظام‌های سیاسی متصلب سرکوبگر متنفر است پس مردم در نظام قرآن کریم از آزادی‌های سیاسی برخوردارند تا بتوانند در پرتو اختیار و آزادی سیاسی حیات سیاسی مطلوب و شایسته و «حیات طیبه» را رقم بزنند.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن میثم، نوان، اختیار مصباح السالکین، بی مک، بی تا.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۱ ش.
- آشوری، داریوش، فرهنگ آشوری، بی مک، بی تا.
- آمدی، تمیمی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- بحرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه حسن زاده، بی مک.
- بحرانی ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
- بهزاد، محمود ثوری تکامل و روانشناسی، بی مک، ۱۳۹۳.
- جعفری، محمدتقی، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
-، تفسیر موضوعی، مصحح: خلیلی، چاپ دوم، قم، اسراء، جلد ۱۷، ۱۳۸۸ ش.
-، فلسفه حقوق بشر، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۳ ش.
- حر عاملی، محمد ابن حسن، وسایل الشیعه، ج ۳، ترجمه محمدباقر ساعدی، قم، اردشیر، ۱۳۷۶ ش.



- حکیمی، محمدرضا و ... ، الحیاء، ج ۱۲، بی تا ، ۱۳۵۳.
- خامنه‌ای، سید علی «آزادی از نظر اسلام و غرب» اندیشه حوزه، شماره دوم، سال چهارم، پاییز ۱۳۷۷ ش.
- خامنه‌ای، سید علی «حکومت و ولایت» مجله حکومت اسلامی، شماره بیست هشتم ، تابستان ۱۳۸۲ ش.
- خداپرستی، فرج‌الله، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، شیراز: دانشنامه فارس ، ۱۳۷۶ ش.
- خوانساری، آقا جمال ، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم - تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش.
- دژاکام، علی «نگاه دین‌مدارانه به آزادی و کاوشی در آرای شهید مطهری»، اندیشه حوزه، سال و شماره پنجم، ۱۳۷۹ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۴ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا؛ دانشگاه تهران ، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ ۱، تهران: انتشارات صادق، ۱۳۸۷ ش.
- رالز، جان، نظریه عدالت، ترجمه محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی ، ۱۳۶۳-۱۳۷۱ ش.



شوشتری، محمدتقی، نهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۸، بی مک، بی نا، ۱۳۷۴ ش.

صدرالدین شیرازی، محمد، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.

طبرسی نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

طوسی، محمد بن حسن، کتاب التبیان فی تفسیر القرآن، بی مک، انتشارات آل اللبیت، ۱۳۸۹ ش.

عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ ش.

علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، تهران، آگه، ۱۳۴۸ ش.

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷ ش.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.

قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱۶، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۲ ق.

کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا

متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۱، چاپ پنجم، بی مک، بی تا
مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: ۱۴۱۳-۱۴۱۱ ق.



مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی، ۱۳۸۲ش.

معین، محمد، فرهنگ معین، بی مک، انتشارات زرین، ۱۳۸۶ش.
موسسه فرهنگی هنری، فرهنگ لغت هوشیار، بی مک، انتشارات موسسه فرهنگی
هنری چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
مؤمنی طباطبایی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران،
۱۳۷۶ش.

نبهان، تقی الدین، نظام الحکم فی الإسلام، بی مک، بی تا.
واعظی، احمد، حکومت دینی و تأملی در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، تهران، انتشارات
مرصاد، ۱۳۸۰ش.

هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تحلیل مفهوم آزادی
سیاسی»، علوم سیاسی، شماره ۱۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی